

متن پیاده سازی شده جلسه هفتم سال پنجم درس خارج فقه القضا 6 اسفند ماه 1401

بسم الله الرحمن الرحيم

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۗ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا»

بحث امانت یک بحث اسلامی صرف نیست؛ بلکه یک بحث انسانی است که قبل از اسلام هم بوده است اما کاری که اسلام کرده است جایگاه برخی از امور اخلاقی را بالا برده است. حق الناس در همه دنیا نزد مردم امر مهمی است؛ اما وقتی به اسلام توجه می‌کنیم، می‌بینیم اسلام جایگاه حق الناس را خیلی بیش از آنچه نزد مردم است بالا برده است. اسلام امانت را توسعه داد. اسلام امانت در هر چیز از هرکس در هر حال را محترم شمرده است. آنچه نزد ما امانت گذاشته شده است هر چیزی که باشد باید حفظ امانت کرد و در آن خیانت نکرد. این امانت از هرکسی باشد ولو آن فرد این ملجم باشد، باز محترم است. این امانت در هر حالی باشد ولو این که در حال جنگ باشد، باید آن را حفظ کرد. از امام صادق علیه السلام روایت داریم می‌فرمایند اگر شمشیری که این ملجم با آن سر پدر ما را شکافت، به من بدهند، من در آن خیانت نمی‌کنم. امر قضاوت یک نوع امانت است. وقتی در این آیه دقت می‌کنیم، می‌بینیم آیه در ابتدا امر به امانت‌داری می‌کند «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» و در ادامه می‌گوید «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ». گویا این مورد یکی از مصادیق امانت است. خداوند متعال گویا می‌خواهد بگوید کسی نکوید هیچ چیزی از کسی نزد ما نیست تا امانت‌داری کنیم؛ بلکه این قضاوتی که نسبت به دیگران می‌کنید مصداقی از امانت است. این قضاوت هم فقط قضاوت قاضی در دادگاه نیست. کسی تصور نکند اینها مهم نیست، بلکه خیلی مهم است. اینها واضحات ضروری مفعول است «إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ». شأن نزول آیه عجیب است. وقتی پیامبر (ص) مکه را فتح کردند، باید خانه خدا را تطهیر می‌کردند. بت پرستان برای بت‌ها قربانی می‌کردند. پیامبر (ص) کلید کعبه را گرفتند و کعبه را تمیز کردند. عباس عمومی پیامبر (ص) می‌خواست از این رابطه عمومی پیامبر بودن استفاده کند و کلید کعبه را تحویل بگیرد و کلیددار کعبه شود. پیامبر (ص) فرمودند ما کلید را از عثمان بن طلحه گرفته‌ایم و به او تحویل خواهیم داد؛ زیرا امانت گرفته‌ایم. برخی می‌گویند آیه در اینجا نازل شده است. برخی این را شأن نزول آیه گرفته‌اند و برخی هم گفته‌اند آیه زودتر نازل شده است.

یکی از امانت‌ها مسئولیت است. «من استعمل رجلا من أصابة و فیهم من هو أَرْضَىٰ لِلَّهِ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْمُؤْمِنِينَ» اگر کسی را از جمعی انتخاب کنی درحالی‌که شخص دیگری بهتر از او که مورد رضایت الهی هم است در این جمع است به خدا و رسول و مؤمنین خیانت کرده‌ای.

به سلطان سنجر گفتند به چه دلیل نتوانستی سلطنت را حفظ کنی و آن را به غزان تحویل دادی؟ گفت کارهای خرد را به انسان‌های بلند دادیم و کارهای بلند را به انسان‌های خرد دادیم.

از مخاطبین بحث امانت‌داری، روحانیون هستند. دین مردم، حوزه‌های علمیه، اعتبار حوزه‌ها، تراث پیامبر (ص) و زحمات علما همه اینها در دست روحانیون امانت است. زحمت ما در مقابل زحمت علما هیچ است. اگر ما با رفتار خودمان افرادی را از دین بیزار کنیم، مسئولیت داریم. تجربه نشان داده است افراد ابتدا از روحانی فاصله می‌گیرند بعد از مسجد و عبادات فاصله می‌گیرند و کم‌کم از دین خارج می‌شوند.

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث در مصونیت قضایی بود. به مناسبت مصونیت قضایی به مصونیت دیپلماتیک رسیدیم. در تراث دینی مشابه‌یابی کردیم. نهادی که به مصونیت دیپلماتیک مشابَهت دارد عقد امان است. منظور از مشابه‌یابی تمثیل یا قیاس‌کردن نیست. آیه امان را مطرح کردیم. بیان کردیم «حتی یسمع کلام الله» به اجاره یا استجاره یا به هر دو بر می‌گردد. اگر به اجاره برگردد می‌تواند برای غایت یا بیان فایده باشد. اگر به استجاره یا به هر دو برگردد باید برای بیان غایت باشد و نمی‌تواند برای بیان فایده باشد. در این مورد سوال کرده‌اند چرا نمی‌تواند برای بیان فایده باشد؟

اگر «حتی یسمع کلام الله» قید استجاره باشد؛ یعنی اگر یکی از مشرکین پناه بخواهد تا کلام الله را بشنود، در این صورت «حتی» برای غایت خواهد بود؛ زیرا آن مشرک فایده را در نظر نمی‌گیرد. اگر «حتی» قید اجاره باشد، «حتی» می‌تواند برای غایت یا فایده باشد؛ زیرا ممکن است مشرک از مسلمان پناه بخواهد و مسلمان به هدف و غایت این که مشرک کلام الله را بشنود به او پناه می‌دهد و گاهی هم به خاطر شنیدن کلام الله به او پناه نمی‌دهد؛ بلکه برای تجارت به او پناه می‌دهد؛ اما فایده و نتیجه آن شنیدن کلام الله می‌شود. اگر قید «حتی» به هر دو برگردد چون نمی‌تواند در استجاره به معنای فایده باشد، پس در این فرض هم فقط باید به معنای غایت باشد.

بررسی عقد ذمه و مصونیت دیپلماتیک

عقد ذمه عقدی است که حاکم اسلامی با کفار اهل کتاب (یهودی، مسیحی و بنا بر برخی اقوال مجوسی) که متوطن در بلاد اسلامی هستند این عقد را می‌بندد. شرایط آن هم این است که آنها باید جزیه پردازند، تبلیغ دین خود را نکنند و تظاهر به منکرات نکنند.

پس در عقد ذمه، یک طرف حاکم اسلامی است و یک طرف هم اهل کتاب متوطن در بلاد اسلامی است. اهل کتاب بعد از عقد ذمه مصونیت پیدا می‌کنند و حاکم اسلامی هم موظف است که از حقوق این افراد دفاع کند.

#### مشترکات و افتراقات عقد ذمه با عقد امان

نقطه مشترک این دو عقد، مصونیت آور بودن آن دو است. افتراقات این دو عقد زیاد است.

تفاوت اول این است که عقد امان از آحاد مسلمین برای آحاد کفار ممکن است درحالی‌که عقد ذمه را حاکم اسلامی منعقد می‌کند.

تفاوت دوم این است که در عقد امان لازم نیست امان گیرنده از اهل کتاب باشد بلکه می‌تواند از مشرکین باشد درحالی‌که در عقد ذمه باید از اهل کتاب باشد.

سومین فرق این است که در عقد امان، فرد بیرون از بلاد اسلامی است و برای ورود به بلاد اسلامی امان می‌گیرد درحالی‌که در عقد ذمه کسی که امان می‌گیرد متوطن در بلاد اسلامی است.

تفاوت چهارم این است که در عقد امان، دادن جزیه لازم نیست درحالی‌که عقد ذمه بدون پرداخت جزیه محقق نمی‌شود. برخی از موارد در عقد ذمه از شرایط عقد ذمه است و برخی موارد از مقومات عقد ذمه است. پرداخت جزیه از مقومات عقد ذمه است.

هدف ما از توضیح عقد امان و عقد ذمه این است که ببینیم می‌توانیم از اینها برای مصونیت دیپلماتیک استفاده کنیم یا نه. اگر دیپلمات مصدقی از موارد عقد امان باشد، می‌توانیم از عقد امان برای مصونیت دیپلماتیک استفاده کنیم. علامه طباطبائی در تفسیر آیه امان فرمودند «حتی یسمع» غایت برای امان است و جواز امان، منحصر در شنیدن کلام الله است. بر فرض صحت این نظر، صحت عقد امان را از طریق مصلحت و ادله دیگر اثبات می‌کنیم. البته نظر ما این است که آیه، عقد امان را منحصر به شنیدن کلام الله نمی‌کند و برداشت علامه از آیه را قبول نداریم.

اگر آمدن سفیر به کشور مصداق عقد امان شود، مصونیت خواهد داشت. اگر مصدقی از عقد ذمه شود مصونیت خواهد داشت. البته امروزه اینها را اصطلاحاً مصونیت دیپلماتیک نمی‌گویند.

فکر می‌کنیم که مبانی شرعی مصونیت دیپلماتیک را از مسیری دیگر باید فراهم کنیم. باتوجه‌به توضیحات داده شده، تفاوت عقد ذمه و عقد امان و مصونیت دیپلماتیک روشن می‌شود. باید بررسی شود پایگاه شرعی مصونیت قضایی دیپلماتیک با فرض تخلف از قوانین و حدود شرعی کشور پذیرنده چیست. بر اساس مصونیت دیپلماتیک، فرد دیپلمات به‌خاطر تخلف خود، در کشور پذیرنده محاکمه نمی‌شود. باید پایگاه شرعی این مطلب استخراج شود.